

آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی

عنوان پژوهش

بررسی مفهوم «مشروعیت»

شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۱۸۰

تاریخ: ۱۳۹۴/۱۲/۲۶



شناسنامه

عنوان:

**آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی
بررسی مفهوم «مشروعیت»**

مؤلف:

محسن ابوالحسنی

ناظر علمی:

علی بهادری جهرمی

دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۱۸۰

تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۱۲/۲۶

پژوهشکده شورای نگهبان



فهرست مطالب

۲	مقدمه
۳	چکیده
۴	درآمد
۴	۱- مفهوم مشروعیت
۴	۱-۱. مفهوم لغوی
۴	۱-۲. مفهوم اصطلاحی
۵	۲- مفاهیم مشابه
۵	۱. ۱. ۲. مقبولیت
۶	۲. ۲. قانونی بودن
۷	۳- تاریخچه اجمالی
۷	۱-۳. تاریخچه مشروعیت سیاسی در غرب
۸	۲-۳. تاریخچه مشروعیت در دوران اسلامی
۹	۴. ابعاد مشروعیت
۹	۱-۴. مشروعیت حاکم
۹	۲-۴. مشروعیت نحوه تصدی حکومت
۱۰	۳-۴. مشروعیت چگونگی اعمال حاکمیت
۱۰	۵. مبانی مشروعیت
۱۰	۱-۵. سنت
۱۱	۲-۵. کاریزما (فره)
۱۱	۳-۵. غلبه و زور
۱۱	۴-۵. انتخاب مردم
۱۲	۵-۵. عامل فرا انسانی
۱۲	۶. منشأ مشروعیت از دیدگاه‌های اسلامی
۱۲	۱-۶. مشروعیت از دیدگاه اهل سنت
۱۲	۱-۱-۶. انتخاب خلیفه توسط اهل حل و عقد
۱۳	۲-۱-۶. استخلاف یا انتصاب توسط حاکم قبلی
۱۳	۳-۱-۶. استیلاء و زور و غلبه
۱۳	۲-۶. مشروعیت از دیدگاه شیعه
۱۵	۷- تبیین وضعیت حقوقی در ایران
۱۷	منابع برای مطالعه بیشتر
۱۸	منابع

مقدمه

در تحقیق و تتبع پیرامون هر گرایش علمی، گام اول آشنایی با مفاهیم پایه‌ای آن علم است. حقوق عمومی به عنوان شاخه و گرایشی از علم حقوق از این قاعده مستثنا نیست و آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی درگاهی برای ورود و اظهارنظر در موضوعات مرتبط با آن می‌باشد.

از سوی دیگر تأسیس حکومتی برمدار مختصات اوامر الهی نیازمند به نهادها و سازوکارهایی متناسب با آن است. بر این اساس نظام سازی اسلامی پس از تشکیل حکومتی بر مبنای اصول و احکام شریعت مقدس اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. حرکت در مسیر این امر مستلزم آشنایی با مفاهیم علمی، مطالعه مبانی و نقد و بررسی آنها بر اساس اندیشه ناب اسلامی است. در این میان مفاهیم حقوق عمومی به عنوان گرایش تخصصی رشته حقوق که به بررسی کلان موضوعات مرتبط با حوزه حکومت و حدود اختیار آن، روابط مردم با فرمانروایان و مباحث مشابه آن می‌پردازد از اهمیت والایی برخوردار است.

در همین راستا، موضوع بازخوانی مفاهیم حقوق عمومی در دستور کار دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی پژوهشکده شورای نگهبان قرار گرفته است. هدف از این امر آشنایی با تعاریف مفاهیم، تاریخچه، اقسام و انواع، بررسی مبانی آن در حقوق موضوعه و مطالعه تطبیقی با مبانی اسلامی و بررسی موضوع در قوانین و سازوکارهای حقوقی نظام جمهوری اسلامی ایران و ارائه نقد و تحلیلی اجمالی از آن است تا به این واسطه گام نخست در عرصه نظام سازی اسلامی برداشته شود.

«مشروعیت، مشروعیة، Legitimacy»

چکیده

هر حکومتی در هر زمان و مکانی که تشکیل شده است، خود را ناگزیر از اثبات به جامعه و مردمی که تحت سلطه او قرار دارند می‌بیند. از این رو همواره حکومت‌ها به دنبال عاملی بوده‌اند که اعمال سلطه خود بر مردم و لزوم تبعیت ایشان را توجیه کند. اگر چه در طول تاریخ انواع و اقسام حکومت‌ها به شیوه‌های گوناگون با حاکمانی با خصوصیات مختلف و اهدافی متفاوت بر سر کار آمده‌اند و روش‌های متنوعی را برای حکمرانی بر مردم اتخاذ کرده‌اند، اما نکته مشترک در همه آن‌ها، توجیهی است که برای اعمال قدرت خود، ابراز داشته و تلاش می‌کردند تا حکومت خود را مشروع جلوه دهند؛ اگر چه عامل مشروعیت در بین هر کدام از حکومت‌ها با یکدیگر متفاوت و بعضاً حتی متعارض است.

مشروعیت نزد حکومت‌های مختلف، مبانی و منشأهای مختلفی داشته و دارد. بعضی حکومت‌ها قائل به منشأ انسانی برای مشروعیت‌اند و از همین رو پذیرش عامه مردم، عقلانیت و زور و غلبه و حتی کاریزما و توارث را از منابع مشروعیت بر می‌شمارند و بعضی دیگر قائل به منشأ فراانسانی برای مشروعیت حکومتند.

در نگاه اسلامی به حکومت نیز مشروعیت از مهم‌ترین مسائلی است که از صدر اسلام مورد تاکید و دقت قرار گرفته است و به نوعی اولین عامل افتراق جدی بین مسلمانان پس از رحلت پیامبر اعظم (ص) به بحث منشأ مشروعیت حکومت و نوع نگاه مذاهب مختلف به منابع مشروعیت بر می‌گشت؛ چنان که در اهل تسنن، اهل حق و عقد و شورا و استخلاف را منشأ مشروعیت بر می‌شمارند، در حالی که در تشیع، نصب از جانب شارع مورد پذیرش قرار گرفته و تنها کسانی که از جانب خداوند منصوب باشند حق حاکمیت دارند. همین اختلافات است که تفاوت در شکل و شمایل حکومت‌ها و حاکمان و روش‌های به قدرت رسیدن ایشان و سبک و روش حکومت‌ها را باعث می‌گردد.

درآمد

مشروعیت از مفاهیم سهل و ممتنعی است که اگر چه در توصیف حکومت‌ها از آن استفاده می‌شود، اما در تعریف دقیق و علمی آن، اختلاف نظرهای گسترده‌ای میان اندیشمندان وجود دارد. در این گزارش، ضمن تعریف لغوی مفهوم مشروعیت، از نظر اصطلاحی نیز در تعریف آن تدقیق صورت می‌گیرد و در کنار بیان مفاهیمی که از نظر اصطلاحی، شباهتی با آن دارند، تاریخچه آن نیز از دوران یونان تا دوران کنونی مورد بررسی واقع می‌شود. در انتها نیز با بیان مبانی مختلف مشروعیت نزد اندیشمندان و مکاتب مختلف، ابعاد مختلف مشروعیت بررسی می‌شود.

۱- مفهوم مشروعیت

برای آشنایی با مفهوم مشروعیت، معنای لغوی و اصطلاحی این مفهوم ذیل دو عنوان مجزا تبیین می‌گردد.

۱-۱. مفهوم لغوی

مشروعیت برابر با واژه Legitimacy در انگلیسی است (فرهنگ حقوقی، ۱۳۸۷، ۳۷۴) که از واژه Legitimate به معنای قانونی مشتق شده است. در تعریف این واژه در رشته‌های مختلف از کلماتی چون «قانونی بودن» (خالقی، ۱۳۸۱، ۱)، «حقانیت داشتن» (حاتمی، ۱۳۸۹، ۳۲)، «مطابقت با شرع» (انوری، ۱۳۸۶، ۷۰۴۲)، استفاده شده است.

۲-۱. مفهوم اصطلاحی

در مفهوم اصطلاحی، مشروعیت همان واقعییتی است که حاکم پیش از اعمال قدرت و امر و نهی باید از آن برخوردار باشد؛ یعنی لازم است که دارای حق ولایت و سرپرستی و مجوزی واقعی باشد تا بتواند در شئون دیگران دخالت کند. در یک تعریف عام مشروعیت را می‌توان به یکی و یگانه بودن چگونگی به قدرت رسیدن رهبران و زمامداران جامعه با نظریه و باورهای همگان یا اکثریت مردم جامعه در یک زمان و مکان معین دانست که نتیجه این باور، پذیرش حق فرمان دادن برای رهبران و وظیفه فرمان بردن برای اعضای جامعه یا شهروندان است (ابوالحمد، ۱۳۸۴، ۲۴۵) که البته رویکردهای مختلفی در تعریف این توجیه عقلانی حق اعمال قدرت وجود دارد. برخی مشروعیت را به طور مطلق به قانونی بودن تعریف کرده اند، لذا اگر

حکومتی در شکل‌گیری و بقا بر اساس قوانین وضع شده یا هنجارهای قانونی بوده باشد، دارای پشتوانه مشروعیت خواهد بود. (عالم، ۱۳۸۸، ۱۰۵)

در رویکردی دیگر ملاک حقانیت را در توانمندی حکومت در ایجاد رشد اقتصادی و رفاه و امنیت می‌دانند و مشروعیت را حاصل کارآیی و قاطعیت نظام سیاسی در درازمدت تعریف می‌کنند. (ابوالحمد، ۱۳۸۴، ۲۵۶)

در رویکرد دیگری که در نگاه فقه اسلامی پذیرفته شده است، مشروعیت به معنای مطابقت با موازین و آموزه‌های شریعت اسلامی بنا نهاده شده است. در این نگاه، منبع ذاتی مشروعیت و حقانیت خداوند متعال دانسته می‌شود، چرا که ولایت ذاتا به او اختصاص دارد و هیچ شخصی بر دیگری حق حاکمیت ندارد، مگر این که از جانب حق تعالی دارای ولایت گردد و حق اعمال حاکمیت بر مردم پیدا کند. (خسروپناه، ۱۳۷۷، ۱۱۶ تا ۱۱۹)

در مجموع می‌توان مشروعیت را واقعییتی دانست که باعث می‌گردد در یک جامعه، یک فرد یا گروه بر دیگران از حق اعمال حاکمیت برخوردار گردند و بتوانند به واسطه این حقی که به دست می‌آورند با پذیرش عمومی، اقدام به حکومت نمایند؛ فارغ از این که در هر جامعه‌ای و بر اساس ارزش‌های متفاوت، این حق به چه دلیل و با چه مبنایی به فرد یا گروه اعطا گردد.

۲- مفاهیم مشابه

شناخت کامل‌تر مشروعیت، نیازمند روشن کردن ارتباط آن با برخی مفاهیم مشابه است تا از این رهگذر اشتراکات یا افتراقات معنایی این مفاهیم نمودار گردد.

۲-۱. مقبولیت

نزدیک‌ترین واژه‌ای که همواره در کنار مشروعیت به کار برده می‌شود، واژه «مقبولیت» است. در فرهنگ سیاسی غرب، مشروعیت در ترادف با مقبولیت قرار می‌گیرد و این دو به صورت توأمان به شمار می‌روند؛ چراکه در این دیدگاه، منبعی برای اعتبار حکومت یا هر گونه سلطه، به غیر از قبول مردم احصاء نشده است و اساس هر گونه اقتدار مشروعی فقط قراردادهای پذیرشی است که از سوی انسان‌ها صورت گرفته شده باشد. (روسو، ۱۳۹۲، ۷۴) از این رو حکومت و اقتدار کسی در

جامعه مشروع است که حاکمیت او مورد قبول شهروندان واقع شود. پس مشروعیت و مقبولیت در فرهنگ سیاسی غرب را به نوعی می‌توان مترادف دانست و این همان تفکر دموکراسی است که در دنیای امروز مقبولیت عام یافته است.

اما در فرهنگ سیاسی اسلام، میان این دو واژه تفاوت‌های جدی وجود دارد. در فرهنگ اسلامی مشروعیت و مقبولیت دو بال هستند که شخص حاکم بایستی هر دوی آن‌ها را داشته باشد، اما به یک مفهوم نیستند. مشروعیت به معنای حقانیت داشتن از جانب شارع مقدس برای اعمال حاکمیت است و در مقابل، مقبولیت به معنای پذیرش حکومت حاکم از سوی مردم تحت حاکمیت است. در واقع در این تعریف منشأ مشروعیت، شارع و دستورات الهی است و منشأ مقبولیت نظر مردم است که حاکم اسلامی به هر دوی این عناصر نیازمند است. ملاک مشروعیت و قانونی بودن حکومت از نظر اسلام رای نیست، بلکه رای مردم به مثابه قالب است و روح مشروعیت را اذن الهی تشکیل می‌دهد. بر اساس این نظریه، مشروعیت حکومت از جانب خداست و پذیرش و رای مردم شرط تحقق حکومت است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ۴۵ و ۴۶) در حالی که در فرهنگ سیاسی غرب حاکمی که از مقبولیت مردمی برخوردار است، دارای مشروعیت نیز به حساب می‌آید.

از نگاهی دیگر هم می‌توان میان این دو مفهوم تفاوت قائل شد: مشروعیت وضعیت ثابتی است که مبین صفتی در حکومت است، حال آن که مقبولیت و رضایت مردمی مربوط به فرآیندی است که طی آن حکومت‌ها به بسط و گسترش پایگاه اجتماعی خود و همچنین بالابردن درجه رضایت عمومی اقدام می‌کنند. از این جهت می‌توان گفت: مشروعیت و حقانیت به مقام ثبوت و نفس الامر ارتباط می‌یابد و مقبولیت به مقام اثبات و خارج (موسویان، ۱۳۷۸، ۳۹۰). لذا از این جهت نیز تفاوت میان این دو مفهوم وجود دارد.

۲-۲. قانونی بودن

همان گونه که اشاره شد مشروعیت به قانونی بودن هم تعریف شده است، از این رو برخی مشروعیت را با قانونی بودن یکسان انگاشته‌اند، در حالی که این دو رابطه این همانی ندارند؛ چرا که مشروعیت قدرت تنها از قانون سرچشمه نمی‌گیرد، بلکه گاهی هم به عرف و سنت و گاهی هم به امور الهی و قدسی متکی است. (خالقی،

۱۳۸۱، ۳) فلذا قانونی بودن یکی از برداشت های از مشروعیت است و نمی توان این دو مفهوم را یکسان انگاشت.

۳- تاریخچه اجمالی

تاریخچه بحث از موضوع مشروعیت را می توان در دو گفتمان سیاسی حاکم بر اندیشه غربی و اندیشه اسلامی به صورت مجزا مورد بررسی قرار داد.

۳-۱. تاریخچه مشروعیت سیاسی در غرب

تاریخچه بحث مشروعیت سیاسی در اندیشه سیاسی غرب به دوره های قبل از میلاد و اندیشه های فلاسفه یونان بر می گردد. سقراط مشروعیت را از صلاحیت عمل منتج می کرد؛ بدین معنا که ملاک تشخیص مشروعیت عمل صالح سیاسی است و نه قرارداد اجتماعی و نه رضایت مردم. افلاطون حکومتی را مشروع می دانست که فیلسوفان متصدی آن باشند (که البته وی با عنوان حکومت مطلوب از آن یاد می کند) و دموکراسی یا حکومت مردم را حکومت نادان ها و غیرمشروع تلقی می کرد. وی در نظریه سیاسی خود مفهوم اعتدال یا تعادل را در باب حکومت بیان می داشت و اعتدال یا تعادل در نظر او به معنی و مفهوم مشروعیت کنونی است. ارسطو نیز در همین رابطه حکومت را به دو نوع خوب یا بد تقسیم می کند. در نظر وی حکومت خوب و مشروع حکومتی است که بدون توجه به شکل آن، در پی تأمین مصالح عامه و خیر عمومی است و حکومت بد حکومتی است که به جای تعقیب مصالح عمومی یا خیر عامه در پی تأمین منافع گروه حاکمه باشد. (حاتمی، ۱۳۸۹، ۴۴ و ۴۵) اما سیسرون از رجال بزرگ سیاسی روم، اولین کسی است که واژه مشروعیت را برای همان قانونی بودن قدرت به کار می برد. (عالم، ۱۳۸۸، ۱۰۵) مشروعیت دولت در قرون وسطی از موقعیتش در مجموعه نظم الهی ناشی می شد و نتیجتاً مشروعیت حکومت نیز الهی بود. ماکیاوول فیلسوف سیاسی ایتالیایی مبنای مشروعیت حکومت را بر پایه و اساس زور و سلطه سیاسی فرد بر جامعه بنا می کند. ژان بدن که دولت به معنای امروزی با نظریه او درباره حاکمیت شکل گرفته است و موناشری را بهترین شکل حکومت می داند، سلطنت را به دو نوع مشروع و نامشروع تقسیم می کند. سلطنت مشروع به نظر او حکومتی است که به موجب حق وراثت یا پیروزی در جنگ مشروع و یا به

انتخاب مردم برقرار شود و سلطنت غیر مشروع آن است که بر هیچ یک از این موازین استوار نباشد، بلکه به صرف زور پدید آید. (عنایت، ۱۳۹۱، ۱۷۹)

در دهه‌های اخیر، گفتمان دموکراسی به تفکر رایج تبدیل گشت که در آن نقش مردم در اعطا یا لغو مشروعیت بسیار گسترش یافت و به نوعی مردم حاکم بلامنازع در زمینه مشروع بودن یا نبودن هستند و وقتی مردم کسی را پذیرفتند و به او رای دادند حکومت او مشروع و قانونی خواهد بود و رای اکثریت برای همه لازم‌الاتباع تلقی می‌شود؛ در غیر این صورت حکومت حاکم غیر مشروع تلقی خواهد شد. (روسو، ۱۳۹۲، ۴۱۷)

۲-۳. تاریخچه مشروعیت در دوران اسلامی

در نگاه اسلامی نیز از صدر اسلام که حکومت اسلامی توسط پیامبر اسلام (ص) تأسیس شد، همواره بحث مشروعیت حکومت از سوی مسلمانان مورد بحث بوده است. اختلاف در موضوع جانشینی پس از پیامبر (ص) نیز، در واقع اختلاف در باب منشا مشروعیت حکومت بوده است، زیرا پذیرش هر کدام از مبانی مشروعیت، نتایج خاص خود را به همراه خواهد داشت. در طول دوران اسلامی نیز حکومت‌ها با گونه‌های مختلفی از منابع مشروعیت بر سر کار آمده‌اند. تا سال‌های متمادی جریان‌های حاکم با عنوان خلافت، در تلاش بودند تا منشا مشروعیت خود را الهی و جانشینی پیامبر (ص) اعلام کنند. با ضعیف تر شدن خلفا، بحث امارت استیلایی در حکومت‌های مستقل و نیمه مستقل ایجاد شد. امارت استیلایی زمانی معنا می‌یابد که فردی بدون جلب رضایت خلیفه در منطقه ای قدرت را به دست می‌گیرد و سپس خلیفه با صدور حکم امارت، به قدرت او جنبه قانونی و شرعی می‌دهد. (ساداتی نژاد، ۱۳۷۸، ۱۴۲) و این بدین معناست که اگر چه حکومت‌های ایجاد شده در مواردی از خلافت مرکزی قدرتمندتر بوده اند، اما تلاش می‌کردند تا با گرفتن حکم از خلیفه، برای قدرت خود مشروعیتی الهی اخذ کنند. با از بین رفتن خلافت، مشروعیت دولت‌ها، علاوه بر اتکای به دین و نسب پادشاهی، شدیداً به عامل غلبه بستگی داشته است. مشروعیتی که از جانب شمشیر به دست می‌آمد، در تمام دوران قبل و بعد از مغول احیاکننده و در همان حال زایل کننده هر مشروعیت دیگر به حساب می‌آمد. (شجاعی زند، ۱۳۷۵، ۱۹۴) این اوضاع تا دوران معاصر و آشنا شدن جوامع اسلامی با

تفکرات مدرن غربی ادامه یافت تا زمانی که اندیشه‌های مردم سالارانه در بعضی از این جوامع نیز ایجاد شد و حکومت‌ها تلاش کردند تا مشروعیت خود را از رای مردم اخذ کنند. در ایران نیز در قرن معاصر ایده «ولایت فقیه» و بروز عملی آن در جمهوری اسلامی نوع خاصی از حکومت است که «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان را از آن خدا می‌داند» و البته «هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است.» (قانون اساسی، اصل پنجاه و ششم)

۴- ابعاد مشروعیت

اختیار معنای حقانیت در حکومت برای کلمه مشروعیت، در پی خود این سوال را به همراه می‌آورد که این حقانیت و یا همان مشروعیت در کدام بُعد از حاکمیت مطمح نظر است؟ در توضیح این سوال باید گفت که حاکمیت ابعاد گوناگونی دارد که هر حکومتی ممکن است در یک یا چند بعد از این ابعاد از مشروعیت برخوردار باشد و در بعضی نامشروع باشد. احصای این ابعاد و تعداد آن‌ها و جایگاه هریک از آنها ممکن است محل اختلاف نظریه پردازان باشد. از همین روست که برخی ممکن است بعضی از این موارد را واجد آن درجه از اهمیت که در زمره ابعاد مشروعیت قرار گیرد ندانند و بعضی را مهم‌تر شمارند.

۴-۱. مشروعیت حاکم

یکی از ابعاد مشروعیت در امر حاکمیت، مشروعیت حاکم است. این که چه کسی قرار است با گرفتن مشروعیت از منابع مشروعیت - که در جوامع مختلف متفاوت است - حاکمیت را در دست گیرد. مساله حاکم در مواردی اهمیت می‌یابد که جدای از ویژگی‌های حکومت، شخصیت حاکم هم مورد توجه و اهمیت است و مثال بارز آن نگاه شیعه به حاکمیت است. در این نگاه در زمان غیبت حاکمیت مشروع الهی بایستی در ید فقیه جامع الشرایط باشد و حتی اگر یک حاکم غیر موصوف به این صفت، همه شرایط محتوایی حاکمیت را تامین کند، باز هم مشروعیت او محل سوال است. (حاتمی، ۱۳۸۹، ۲۷۳)

۴-۲. مشروعیت نحوه تصدی حکومت

یکی دیگر از ابعاد مشروعیت، مشروعیت نحوه تصدی حکومت است. یک حاکم

مشروع، آیا می‌تواند به هر وسیله‌ای و با هر شیوه‌ای اقدام به تصدی حکومت کند؟ و در صورتی که از روش‌های غیرمشروع استفاده کرد، آیا حکومت او مشروع خواهد بود؟ از همین رو علاوه بر این که حاکم بایستی مشروع باشد، بایستی از روش‌های تصدی مشروع نیز در جهت حاکم شدن استفاده کند و الا باز هم مشروعیت او در ورطه‌ای از ابهام فرو خواهد رفت. (حاتمی (ب)، ۱۳۸۹، ۴۵ و ۴۶؛ خامنه‌ای: ۱۳۹۳/۳/۱۴)

۳-۴. مشروعیت چگونگی اعمال حاکمیت

مشروعیت را نباید عنصری نقطه‌ای در ابتدای شروع حاکمیت دانست که حاکم با شرایط خاص با تصدی حکومت به شیوه مشروع و انتخاب قالب مناسب، دیگر تعهدی در این زمینه نداشته باشد. بلکه بایستی چگونگی اعمال حاکمیت را نیز از ابعاد مشروعیت دانست و حاکم در اعمال حاکمیت نیز از روش‌ها و اقدامات مشروع و بر حق استفاده کند.^(۱) (بهادری جهرمی، ۱۳۹۴، ۵۰-۵۵)

۵- مبانی مشروعیت

هر مفهومی را از جهات مختلفی می‌توان تقسیم کرد. مفهوم مشروعیت را از حیث منشأ آن تحت عناوین سنت، کاریزما، غلبه و زور، انتخاب مردم و عامل فرا انسانی تقسیم کرد.

۱-۱. سنت

سنت‌ها که در واقع قوانین نانوشته‌ای هستند و از عرف‌ها، هنجارها و ارزش‌های مشترک سرچشمه می‌گیرند و از فرط تکرار به شیوه خودانگیخته‌ای از عمل تبدیل می‌شوند و به تدریج دارای اعتبار مقدس می‌شوند، همواره عاملی برای توجیه مشروعیت قدرت بوده است. بر اساس چنین توجیهی از قدرت، مردم بدین جهت از قدرت حاکم اطاعت می‌کنند که آن حاکمان بر اساس سنن و میراثی که در تاریخ آن

۱. مفهوم حکمرانی خوب (Good Governance) در سال‌های اخیر در ادبیات سیاسی حقوقی و مدیریتی کاملاً جا باز کرده است که به شاخصه‌هایی هم چون حاکمیت قانون، مشارکت، شفافیت، پاسخگویی، مسئولیت و انعطاف‌پذیری در اداره اشاره دارد. (زارعی، ۱۳۸۳، ۱۶۲) همه این شاخصه‌ها به نوعی گویای مصادیقی از مشروعیت چگونگی اعمال حاکمیت به حساب می‌آیند که با این زبان بیان شده‌اند.

جامعه وجود داشته و اکنون در نزد آنان از احترام و قداست بالایی برخوردار است، اعمال قدرت می‌نمایند. (رحمت الهی، ۱۳۸۲، ۱۴۳)

۲-۵. کاریزما (فره)

در این نوع مشروعیت رهبر یا شخص فرهمند صاحب اقتداری استثنایی شمرده می‌شود که اقتدارش از یک منبع متعالی و فوق طبیعی، که خود صاحب اقتدار مطلق است، سرچشمه گرفته است. وی مدعی پیام‌آوری یا ماموریت تاریخی خاصی است و مردم را به سوی خود دعوت می‌کند. چنانچه این توجه و تکریم جنبه سیاسی داشته باشد می‌تواند به سلطه کاریزمایی منجر شود. اعتماد و فرمانبری مردم از پیشوا به علت جاذبه خاص، ویژگی‌ها و خصوصیات فوق بشری حاکم است که از قداست، تهور و تجربیات وی مایه می‌گیرد. (منوچهری، ۱۳۷۵، ۲۹)

۳-۵. غلبه و زور

علاوه بر عوامل یاد شده، یکی دیگر از عناصری که از دیدگاه برخی سرچشمه تلقی شده، اعمال غلبه و زور از سوی قدرت حاکم می‌باشد، زیرا به تعبیر این افراد اگر قائل به این معنی می‌باشیم که منشأ مشروعیت به اطاعت باز می‌گردد، قهر و غلبه و اجبار نیز که از عوامل انقیاد و اطاعت است، یکی از سرچشمه‌های مشروعیت خواهد بود. اما از آن چه که پذیرش این حرف آسان نیست، لذا بسیاری از فلاسفه سیاسی تلاش کرده‌اند، چگونگی ایجاد مشروعیت از طریق زور و اجبار را توجیه و تلطیف نمایند. (تفتازانی، ۱۴۰۹، ج ۵، ۲۳۳) اگر چه بسیاری نیز این شیوه را نپذیرفته و زور را به عنوان عامل ایجادکننده حق برای حاکمیت قبول نکرده‌اند. (روسو، ۱۳۹۲، ۷۲)

۴-۵. انتخاب مردم

همان طور که در بحث مفهوم مقبولیت به آن اشاره شد، در بعضی مکاتب سیاسی، مشروعیت حاکمان از رای و موافقت و رضایت مردم ایجاد می‌شود. از آن جا که در نگاه این مکاتب، هیچ انسانی حاکمیتی طبیعی بر هم نوع خود ندارد و چیزی فراتر از انسان هم حق حاکمیت بر انسان ندارد، فلذا حاکم مشروع تنها از راه توافق میان انسان ها، برگزیده می‌گردد. (روسو، ۱۳۹۲، ۷۴) بر این مبنا تحقق دو شاخصه‌ی اساسی دموکراسی یعنی حق مشارکت همگانی و حکومت اکثریت و احترام به اقلیت بیان‌گر

آن است که کسانی شایستگی و صلاحیت تصدی حکومت و به دست گرفتن قدرت اجرایی را دارد که منتخب اکثریت مردم باشند. (قاضی، ۱۳۸۸، ۱۱۸-۱۲۱)

۵-۵. عامل فرا انسانی

منظور از این نوع از منشأهای مشروعیت، توجیه قدرت به وسیله عواملی است که ورای اراده آدمی است. بر این اساس حاکمان حق اعمال قدرت بر دیگران را ودیعه ای الهی یا طبیعی می‌پندارند که در وجود آن‌ها قرار داده شده است. مردم نیز به همین دلیل خود را ملزم به اطاعت از آن‌ها می‌دانند. (خالقی، ۱۳۸۵، ۱۱)

۶- منشأ مشروعیت از دیدگاه‌های اسلامی

همان گونه که در بحث تاریخچه مشروعیت گفته شد، از همان صدر اسلام، دو نوع دیدگاه درباره منشأ مشروعیت حکومت و حاکمان اسلامی در میان مسلمانان شکل گرفت:

۱-۶. مشروعیت از دیدگاه اهل سنت

اهل سنت با اعتقاد به این که امر حکومت در زمره مصالح عامه است، درباره منشأ مشروعیت حکومت، این نظر را اتخاذ کردند که پیامبر(ص)، مساله جانشینی خود را عمداً مجمل گذاشته و آن را به نظر امت واگذار کرده است تا در مورد صالح‌ترین شخص برای رهبری خود تصمیم بگیرند. (خالقی، ۱۳۸۱، ۲۳) از همین رو در میان اهل سنت بنا به اتفاقات تاریخی مختلف و نظریات گوناگون منشأهای متعددی برای مشروعیت ذکر شده است:

۲-۱-۶. انتخاب خلیفه توسط اهل حل و عقد

دانشمندان و فقهای اهل سنت بر این باورند که امامت و حکومت برای حاکم به صورت فعلی و قطعی با بیعت جمعی از اهل حل و عقد که نماینده اراده بخش وسیعی از امت‌اند و یا با بیعت مستقیم بخش بزرگی از امت باکیفیت و کمیت قابل ملاحظه ای که در چنین مواردی شارع آن را به اراده عامه مردم مرتبط دانسته منعقد می‌شود. این روشی است که فقهای اهل سنت انتخاب خلیفه اول را بر مبنای آن می‌دانند. (ماوردی، ۱۳۹۱، ۲۵)

۶-۱-۲. استخلاف یا انتصاب توسط حاکم قبلی

به نظر اهل سنت استخلاف یا انتصاب امام سابق، یکی دیگر از طرق انعقاد امامت و راه‌های مشروعیت حکومت است و انتخاب خلیفه دوم توسط خلیفه اول به عنوان جانشین خود را به این گونه از روش‌های ایجاد مشروعیت می‌دانند. (خنجی، ۱۳۶۲، ۸۰) ابوالحسن ماوردی عالم بزرگ اهل تسنن درباره این دو شیوه مشروعیت حاکم این گونه بیان می‌کند: امامت به دو صورت انعقاد می‌یابد: یکی به انتخاب اهل حل و عقد و دوم به حکم امام قبلی. (ماوردی، ۱۳۹۱، ۲۵)

۶-۱-۳. استیلاء و زور و غلبه

زور و غلبه و تسلط بر مراکز قدرت یکی از عواملی است که اهل سنت آن را منشأ پیدایش مشروعیت حکومت دانسته‌اند. یعنی کسانی که قدرت جسمی و نیروی بدنی و روانی بیشتری دارند حق خواهند داشت که بر جامعه حکومت کنند و نیازی هم به عقد بیعت از طرف عامه مسلمین و یا اهل حل و عقد نمی‌باشد (تفتازانی، ۱۴۰۹، ج ۵، ۲۳۳)

۶-۲. مشروعیت از دیدگاه شیعه

شیعیان با پذیرش اصل امامت بر اساس قاعده لطف و نص، مفهوم مشروعیت را در چهارچوب خاصی قرار داده‌اند. از نظر آنان حاکم مشروع کسی است که بر اساس نص الهی منصوب شده باشد و منشأ مشروعیت او به تعیین از سوی خداوند متعال شکل گرفته باشد. از این رو مشروعیت حکومت امام، تنها از ناحیه خداوند متعال حاصل می‌شود و تعیین او به اختیار مردم نیست، بلکه به تعیین خدا و ابلاغ رسول است. از این رو گفته می‌شود امام شیعی صرف نظر از تحقق یا عدم تحقق حکومتش، مشروعیت دارد و مقبولیت یا عدم مقبولیت مردم تاثیری در مشروعیت او ندارد و مساله مقبولیت مردمی تنها در ارتباط با فعلیت امر حکومت امام موضوعیت پیدا می‌کند. (خالقی، ۱۳۸۱، ۲۷)

بر مبنای اعتقاد شیعه امامیه در عصر حضور معصوم (علیه السلام) جز او حق اعمال حاکمیت را ندارد که در دوران غیبت معصوم (علیه السلام) نیز این رویه به نوع دیگر و از مجرای خاصی اعمال می‌گردد.

قرآن کریم ولایت را منحصرأً از آن خداوند می‌داند^(۱) و خداوند حاکم مطلق بر انسان و جهان شناخته می‌شود. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱، ۲۲۰) مردم برای پذیرش ولایت خداوند در زندگی خود مکلف به اطاعت از خدا و رسول خدا و اولی الامر شده‌اند^(۲) و او ولایت خود را در تدبیر و مدیریت امور اجتماعی مردم به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تفویض کرده است. پس از پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله و سلم)، ائمه معصومین (علیهم السلام) عهده‌دار این امرند و در عصر غیبت، فقیه جامع شرایط، به حکم برهان عقلی و نصوص نقلی، در عصر غیبت، نائب عام آن حضرت می‌باشد و از سوی امامان معصوم (علیهم السلام)، برای اجرای احکام اسلام و نیابت در شؤون چهارگانه حفاظت از دین، افتاء، قضاء، و ولایت منصوب گشته، بر جامعه اسلامی ولایت دارد. (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۲۳۰) البته هر چند مشروعیت حکومت اسلامی از ناحیه الهی تعیین می‌شود، اما حکومت اسلامی هیچ‌گاه بدون خواست و اراده مردم تشکیل نمی‌گردد. (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۸۳) یعنی اگر چه نظر مثبت مردم برای تشکیل حکومت نمی‌تواند عامل مشروعیت بخشی برای ایجاد حکومت باشد، اما عدم پذیرش و قبول مردم، حتی در زمان حضور معصوم (ع) عملاً مستلزم عدم تشکیل حکومت خواهد شد.

در کنار این بعضی از فقهای متاخر در نظریه جدیدی از مشروعیت الهی - مردمی سخن گفته‌اند. در این نظریه درباره مشروعیت الهی پیامبر اکرم (ص) و معصومین (ع) تفاوتی با نظر فوق ندارد و مشروعیت ایشان را از جانب خداوند می‌داند و به علت وجود نص خاص و نصب از جانب شارع، مجالی برای انتخاب مردم متصور نمی‌شود. اما در دوران غیبت معصوم (ع) شارع مقدس شرایط ویژه‌ای را برای والی مشخص کرده که در چارچوب آن، مردم حق انتخاب حاکم اسلامی را دارند. (منتظری، ۱۴۰۹، جلد اول، ۴۹۵ و ۴۹۶) پس به این معنا مردم در این نظریه به عنوان یکی از پایه‌های مشروعیت حکومت اسلامی و حتی در مقام طرف قرارداد با حاکم اسلامی، او را برای این مقام بر می‌گزینند. این نظریه در میان فقهای متاخر نیز بر اساس ادله مختلفی مورد

۱. قَالَ اللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ سَرِيسْت و معبود واقعی تنها خداست. (سوره مبارکه شوری آیه ۹) این آیه شریفه، مفید حصر ولایت به خداوند متعال است؛ زیرا معرفه بودن خبر (الولی) بعد از ضمیر فصل، مفید حصر است.

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید (سوره مبارکه نساء آیه ۵۹)

پذیرش عمده قرار نگرفته است؛ اگر چه نقش مردم در به فعلیت رساندن حکومت اسلامی مشخص و واضح است ولی نمی توان مردم را از ارکان مشروعیت حاکم اسلامی به حساب آورد.

۷- تبیین وضعیت حقوقی در ایران

در جمهوری اسلامی ایران که بر اساس بند اول اصل دوم قانون اساسی بر پایه ایمان به خدای یکتا (لااله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امر او استوار شده است، گونه ای از مشروعیت که در اصطلاح «مشروعیت الهی» خوانده می شود، پذیرفته شده است و ساختار حکومت جمهوری اسلامی بر همین مبنا استوار گشته است.

این مفهوم به وجه بارزتر و صریح تری در اصل پنجاه و ششم قانون اساسی بیان شده است که حاکمیت مطلق بر جهان و انسان را از آن خدا می داند. حاکم مطلق دانستن خداوند نسبت به جهان و انسان مبین رد همه دیگر منشأهایی است که برای مشروعیت در مکاتب مختلف سیاسی بیان شده است و در این مجال هم تا حدودی به آن پرداخته شد. بدین معنا که در حکومت جمهوری اسلامی ایران، مشروعیت حاکمیت نه از قرارداد اجتماعی و مقبولیت مردم تامین می شود و نه به خاطر صفات کاریزماتیک رهبران حکومت است. نه از استخلاف و انتخاب حاکمان قبلی سرچشمه می گیرد و نه وراثت نقشی در آن دارد. بلکه همان طور که در قانون اساسی آمده است، حاکمیت به صورت مطلق از آن خداست که در عالم تشریع توسط پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (علیهم السلام) بروز می یابد و بر اساس آموزه های دینی که اصل پنجم قانون اساسی هم بر همین مبنا نگارش یافته است، «در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت برعهده فقیه عادل و باتقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است.»

بر اساس اصل پنجاه و ششم قانون اساسی، از آن جا که خداوند انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است، هیچ کس نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد. از همین روست که حاکمیت الهی در جمهوری اسلامی توسط مردم عملیاتی و اجرایی می شود. بدین ترتیب بر اساس اصول مختلف قانون اساسی این مردم هستند که در چارچوب

حاکمیت الهی به اعمال نظر می‌پردازند. بر اساس اصل یکصد و هفتم با تعیین نمایندگان مجلس خبرگان، در انتخاب رهبری موصوف به شرایط فوق الذکر مشارکت می‌کنند، با انتخابات مستقیم رئیس جمهور بر می‌گزینند (اصل یکصد و چهاردهم)، نمایندگان خود را در قوه مقننه انتخاب می‌کنند (اصل شصت و دوم) و ... و با استفاده از این حق خود در چارچوب شریعت اسلامی، حکومت خود را بر سرنوشت اجتماعی خویش ابراز می‌دارند.

منابع برای مطالعه بیشتر

کتاب

۱. جاوید، محمدجواد، مشروعیت قدرت و مقبولیت دولت در قرآن، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۸
۲. ذاکر صالحی، غلامرضا، مبانی مشروعیت حکومت نظریه ابوالحسن ماوردی، موسسه بوستان کتاب، چاپ اول ۱۳۸۹
۳. صدرا، علیرضا، مشروعیت سیاسی، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷
۴. فیرحی، داود، دین و دولت در عصر مدرن (دولت، مشارکت و مشروعیت)، رخ داد نو، چاپ اول، ۱۳۹۰
۵. فیرحی، داود، قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، نشر نی، چاپ یازدهم، ۱۳۹۱

مقالات

۱. اراکی، محسن، «خاستگاه مشروعیت قدرت»، مجله حکومت اسلامی، سال چهاردهم، شماره چهارم، زمستان ۸۸، صفحات ۵ تا ۳۸
۲. رشادتی، محمد مهدی، «مشروعیت حکومت و مبانی آن از نظر اسلام و غرب»، فصلنامه دین و سیاست، شماره ۱۱-۱۲، بهار و تابستان ۸۶، صفحات ۳ تا ۲۷
۳. رهنمایی، سید محمد رضا، «خاستگاه مشروعیت حکومت اسلامی و نقش مردم در آن»، مجله معرفت، شماره ۴۳، صفحات ۳۳ تا ۴۴
۴. رمضان نرگسی، رضا، «مبانی مشروعیت در اندیشه سیاسی غرب و اسلام»، فصلنامه پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره ۹ و ۱۰، صفحات ۳۳ تا ۶۹
۵. معصومی، سید محمد مسعود، مبانی مشروعیت، «حکومت اسلامی»، سال چهاردهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۸، صفحات ۲۱ تا ۵۸
۶. مهاجرنیا، محسن و کریمی خضرا، محمد، «خاستگاه و مشروعیت نظام سیاسی صالح در اندیشه آیت الله خامنه‌ای»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۳۱، صفحات ۷ تا ۲۴

منابع

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۲. ابوالحمد، عبدالحمید، مبانی سیاست، جلد نخست، انتشارات توس، چاپ دهم ۱۳۸۴
۳. بهادری جهرمی، علی، اصول حاکم بر تصمیم‌گیری مقامات سیاسی در حکومت اسلامی، پایان‌نامه مقطع دکتری، دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، ۱۳۸۴
۴. پهلوان، چنگیز، «مشروعیت دولت مدرن»، مجله کیان، ۱۳۷۴، شماره ۲۵، صفحات ۳۶ تا ۴۲
۵. تفتازانی، سعدالدین، شرح المقاصد، انتشارات الشریف الرضی، ۱۴۰۹ ه‍.ق، پنج جلد
۶. جمعی از نویسندگان، زیر نظر محمود یزدی مطلق، امامت پژوهی (بررسی دیدگاه‌های امامیه، معتزله و اشاعره)، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۱
۷. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه (ولایت فقاها و عدالت)، قم: اسراء، چاپ چهاردهم، ۱۳۹۱
۸. حاتمی، محمدرضا، مبانی مشروعیت حکومت در اندیشه سیاسی شیعه، انتشارات علوم و فنون رازی، چاپ اول ۱۳۸۹
۹. حاتمی، محمدرضا(ب)، «بررسی و نقد مبانی مشروعیت حکومت از دیدگاه اهل سنت»، دانشنامه (دانشگاه آزاد اسلامی) دوره ۳، شماره ۱، ۱۳۸۹
۱۰. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، انتشارات سخن، چاپ چهارم، ۱۳۸۶، جلد هفتم
۱۱. خالقی علی، مشروعیت قدرت از دیدگاه امام خمینی(س)، انتشارات عروج، چاپ دوم، ۱۳۸۵
۱۲. خسروپناه، عبدالحسین، «مشروعیت حکومت ولایی»، کتاب نقد، شماره هفتم، تابستان ۱۳۷۷، صفحات ۱۱۰ تا ۱۳۸
۱۳. خنجی، فضل الله بن روزبهان، سلوک الملک، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۲
۱۴. رحمت الهی، حسین، «مشروعیت حکومت از دیدگاه اسلام و ماکس وبر»، حقوق خصوصی، شماره ۵، زمستان ۱۳۸۲، صفحات ۱۳۷ تا ۱۷۰
۱۵. روسو، ژان ژاک، قرارداد اجتماعی، ترجمه مرتضی کلانتریان، انتشارات آگه، چاپ ششم، ۱۳۹۲

۱۶. زارعی، محمدحسین، «حکمرانی خوب»، حاکمیت و حکومت در ایران، تحقیقات حقوقی، شماره ۴۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۳، صفحات ۱۵۵ تا ۲۰۲
۱۷. ساداتی نژاد، سیدمهدی، «تحول مفهوم مشروعیت در فقه سیاسی شیعه در ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه نوین دینی، شماره هفدهم، تابستان ۱۳۸۸، صفحات ۱۳۹ تا ۲۰۷
۱۸. شجاعی زند، علیرضا، «سلسله های اسلامی در ایران و مسئله مشروعیت»، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره دوم، زمستان ۱۳۷۵، صفحات ۱۶۸ تا ۲۰۶.
۱۹. عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، نشر نی، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۸
۲۰. عنایت، حمید، بنیاد فلسفه سیاسی در غرب از هراکلیت تا هابز، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۹۱
۲۱. فرهنگ حقوقی (فارسی-انگلیسی و انگلیسی-فارسی)، معاونت پژوهش تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، چاپ دوم، ۱۳۸۷
۲۲. کریمی، والا محمدرضا، مقارنه مشروعیت حاکمیت در حکومت علوی و حکومت های غیردینی، بوستان کتاب، چاپ اول ۱۳۸۷
۲۳. ماوردی، ابوالحسن، آیین حکمرانی، ترجمه و تحقیق از حسین صابری، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۹۱
۲۴. مصباح یزدی، محمدتقی، نظریه سیاسی اسلام، انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ ششم، ۱۳۹۱، جلد دوم
۲۵. منتظری، حسینعلی، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الحکومة الاسلامیة، قم: تفکر، ۱۴۰۹ هـ ق
۲۶. منوچهری، عباس، «مبانی اندیشه انتقادی ماکس وبر»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۵، شماره ۱۰۳ و ۱۰۴، صفحات ۲۴ تا ۳۲
۲۷. موسویان، ابوالفضل، «بررسی منشأ مشروعیت حکومت اسلامی»، امام خمینی و حکومت اسلامی، فلسفه سیاسی (۱)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، صفحات ۳۷۸ تا ۴۱۸

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود
را ایفا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمری،
کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir